

اطلاعیه برگزاری کنگره نوزدهم سازمان راه کارگر

همراه با اسناد و قطعنامه های مصوب

کنگره نوزدهم سازمان راه کارگر با شرکت اعضا و میهمانان سازمان با اعلام یک دقیقه سکوت برای جانباختگان راه آزادی و سوسیالیسم ، آغاز به کار کرد.

پیش از برگزاری کنگره ، بیان عملکر ارگانها و نهادهای تشکیلاتی ، در نشست های اینترنتی ، مورد بحث و تبادل نظر قرار گرفته بودند ، با این همه ، پاره ای از موارد آن در کنگره نیز با دقت بیشتری بررسی شدند. کنگره نوزدهم سازمان ضمن تائید مجدد رئوس تحلیل اوضاع ایران و جهان و نیز وظایفی که بر دوش سازمان و سایر نیروهای انقلابی چپ قرار دارد - مندرج در گزارش سیاسی مصوب کنگره هیجده - تصمیم گرفت که تمرکز خود را بر پیش نویس های قطعنامه ها و قرارهای پیشنهادی اعضای سازمان معطوف نماید . این اسناد عبارت بودند از پیرامون بحران زیست محیطی، پیرامون وضعیت رژیم اسلامی ایران، مسائل جنبش کارگری ، مسائل مهم بین المللی و تحولات خاورمیانه در سالی که گذشت . در همین رابطه کنگره کمیسیونی از بین اعضای داوطلب انتخاب کرد، این کمیسیون با در نظر گرفتن اصلاحات، نظرات پیشنهادی و یا تکمیلی، اسناد را باز سازی کرد و مجدداً به کنگره ارائه داد .

از میان اسناد پیشنهادی ، چهار قطعنامه : 1- در مورد وضعیت جمهوری اسلامی 2- وضعیت جنبش کارگری 3- بحران محیط زیست 4- پیرامون مسائل بین المللی، عراق و فلسطین ، پس از تغییراتی به تصویب کنگره رسید. بعلاوه قطعنامه ای نیز در محکومیت دور جدید تشدید اعدامها در ایران ، تصویب شد.

در پایان کنگره ، پس از انتخاب اعضای دو نهاد : کمیته مرکزی و کمیسیون نظارت و بررسی شکایات ، با سرود انترناسیونال و با موفقیت به کار خود خاتمه داد.

کمیته مرکزی سازمان راه کارگر

مرداد 1393 - آگوست 2014

مصوبه شماره یک

اوضاع کنونی، وضعیت رژیم، چشم انداز و وظایف ما در ایران

یک سال دیگر از حیات رژیم اسلامی گذشت. درب بر همان پاشنه می چرخد. از همان آغاز آشکار بود که از وعده های دولت «تدبیر و امید» حسن روحانی، آزادی و رفاه بدست نخواهد آمد. حرف های تو خالی و مردم فریبانه، عملاً حاصلی برای تغییر وضعیت فلاکت بار کارگران، زحمتکشان و همه مردم ایران در پی نداشت. در سالی که گذشت تداوم سرکوب، دستگیری، زندان، شکنجه، اعدام و بی حقی عمومی شهروندان، تحمیل ریاضت اقتصادی بر نیروی کار و زحمت، فقر، نابرابری و تبعیض با شدت بیشتری ادامه داشته است. سیاست نئولیبرالی خصوصی سازیها، تاراج منابع ملی کشور، ویران کردن صنایع و منابع تولیدی، نابودی محیط زیست، کاهش ارزش پول ملی، حذف یارانه ها در ابعادی گسترده ادامه یافته است. بر خلاف توهمات و داعیه های طیف به اصطلاح اصلاح طلب حکومتی و غیر حکومتی، دولت روحانی نه «امیدی» آفرید و نه گامی در جهت کم کردن فشار به نیروی کار و زحمت برداشت.

ادامه این سیاست ها ست که موجب تشدید فقر و فلاکت، بیکاری و استثمار میلیونی شده و مردم بسیاری را به زیر خط فقر پرتاب کرده است و فحشا و اعتیاد را رواج داده است.

عقب نشینی از سیاست هسته ای در مقابل قدرتهای امپریالیستی، شکاف های تازه ای در میان هیئت حاکمه ایجاد کرده است. این شکاف ها و شرایط طاقت فرسای سیاسی اقتصادی و اجتماعی موقعیتی را فراهم آورده است که جنبش های مطالباتی و در راس آن جنبش کارگری، دامنه گسترده تری پیدا کند.

تجربه جنبش مردمی 88 ایران و مجموعه کشورهایی که تحولات "بهار عربی" را از سر می گذرانند نشان داده است که بدون حضور مستقل و قدرتمند جنبشهای اجتماعی و تشکل های مستقل سراسری، در راس آنها جنبش کارگران و زحمتکشان مزد و حقوق بگیر، بدون غلبه گفتمان کارگری و سوسیالیستی، فمینیستی، محیط زیستی، دموکراتیک و ... همچون یک کلیت در مقابل گفتمانهای بورژوایی و خرده بورژوایی از نوع اصلاح طلبی یا لیبرالی ..؛ نه تنها براندازی سیستم سرمایه داری و انتقال به سوسیالیسم ناممکن است، بلکه امر سرنگونی انقلابی جمهوری اسلامی هم پیش نخواهد رفت.

تاریخ سی و پنج ساله نظام اسلامی نشان داده است که این رژیم توتالیتر و آپارتاید جنسی و مذهبی قادر به هیچ اصلاح اساسی به نفع توده های زحمتکش نیست. کابینه روحانی که حتی اصلاح طلب هم نیست اگر بتواند برنامه پیشنهادیش را متحقق کند، نتیجه ای جز اصلاح سیاسی نظام دینی و ضد دموکراتیک

جمهوری اسلامی نخواهد داشت و عملاً در خدمت گسترش اقتصاد سرمایه داری نئولیبرال با حفظ منافع روحانیون ، سرداران سپاه و سایر نیروهای امنیتی - نظامی خواهد بود . این سیاست ها اما با منافع اکثریت مردم ایران در تضاد کامل قرار دارد. مردم ایران خواهان اصلاح رژیم نیستند، برچیده شدن آنرا می‌خواهند.

برای اینکه این امر بصورت سازمان یافته ، سراسری و از پایین صورت گیرد، می‌بایست حول مطالبات جاری و هم اکنون موجود ، و برای تعمیق و گسترش آن متمرکز شد . در عین حال تشکل یابی مستقل و مردمی در ابعاد وسیع افقی و عمودی و ایجاد نهاد های مجازی و واقعی در اشکال مخفی ، نیمه مخفی و علنی ، در کارخانه ها و محلات ، خیابان ها و میادین ، دانشگاهها و مدارس ، شهر و روستا و بویژه اهمیت نزدیکی عملی و مطالباتی تشکلهای فوق بر اساس اشتراکات هم اکنون موجودشان ضرورتی است اجتناب ناپذیر و دائمی . این امر و الزامات ناشی از آن خصوصاً برای فعالان ، انجمنها و کمیته ها و تشکلهای کارگری تعیین کننده و حیاتی است . امری که پیشروان کارگری در اشکال مختلف هم اکنون در جهت و راستای آن می کوشند .

در راستای تدارک برای سرنوشتی انقلابی رژیم سرمایه داری اسلامی می‌بایست همزمان برای شکل یابی بدیل سوسیالیستی به مثابه نظام جایگزین تلاش کرد و گفتمان سرنوشتی رژیم را با گفتمان کارگری و سوسیالیستی در هم آمیخت و همراه کرد. مسیر اتحاد بزرگ هواداران آزادی و سوسیالیسم از این راه می گذرد.

ما بر این باوریم که فعالان، گروه‌ها، سازمان‌ها، احزاب و جریان‌های چپ رادیکال و کمونیست بدون آنکه اختلافاتشان را حذف و یا نادیده بگیرند می‌توانند بر اساس اشتراکات هم اکنون موجودشان دخالتگری سوسیالیستی در روند جاری و آینده ایران را فراهم آورند و رقم زنند. بدون چنین راهبردی آینده روشنی برای آزادی و برابری در ایران و حتی منطقه نمی توان تصور کرد.

مصوبه شماره دو

پیرامون مسائل جنبش کارگری در ایران

در سال گذشته، جمهوری اسلامی و سرمایه جهانی هر یک از منظری، ریاضت اقتصادی را با شدت و حدت بر مردمان کشور ما اعمال کرده اند. بر چیدن تدریجی یارانه ها ، تشدید بحران اقتصادی که بسته

شدن واحدهای تولیدی، بیکاری عظیم میلیونی را بدنبال داشته است، سقوط ارزش ریال، افزایش تورم، افزایش شرکتهای پیمانکاری که بخش زیادی از دستمزد کارگران را می بلعند، قراردادهای سفید امضا، افزایش کارهای پاره وقت و افزایش وزن بخشهای غیررسمی اقتصاد، همگی کاهش قدرت خرید و سقوط چشمگیر سطح زندگی کارگران را در پی داشته است.

دولت " تدبیر و امید" به صاحبان سرمایه در بخش خصوصی قول داده است که سیاستها و اقداماتش در جهت تقویت آنان باشد. یکی از اقدامات دولت برای تقویت صاحبان سرمایه، تامین نیروی کار بیشتر و ارزانتر برای سرمایه گذاران است. از اینرو نیروی کار ارزان به عنوان منبع اصلی تامین سود کارفرمایان که دولت در راس آنها و بزرگترین آنهاست باقی مانده است. از همین رو ما با ابعاد گسترده پدیده های دستمزد معوقه، قراردادهای سفید امضا، از بین بردن بقایای حقوق کارگری در زمینه استخدام، عدم ایمنی محیطهای کاری... روبرو هستیم.

این در حالی است که خط فقر برای یک خانواده چهارنفره، بیش از دو میلیون تومان تخمین زده شده است، اما شورای عالی کار، این ارگان طرفدار سرمایه داری، بالاخره پس از مذاکرات پرهیاهو و برقراری میزگرد و سمینار، حداقل دستمزد کارگری را 608 هزار تومان اعلام کرده است و این در شرایطی است که حتی بر اساس تحقیقات کمیته مزد شورای اسلامی ضد کارگری استان تهران مجموعه هزینه ماهانه یک خانواده چهارنفره، یک میلیون و هفتصد هزار تومان تخمین زده شده است.

به علاوه رژیم سرمایه داری جمهوری اسلامی تشدید نظام جنسیتی در بازار کار را در دل بحران کنونی با ایجاد تغییرات در قانون کار، طرح دور کاری، سیاست استخدام نیمه وقت زنان، کماکان پیگیری می کند. بازنشسته کردن زود هنگام آنان، خانه نشین کردنشان، طرحهایی همچون طرح " جامع جمعیت و تعالی خانواده " سبب محدود کردن و بستن بازار هر چند محدود کار بر روی زنان و حذف علنی آنان از بازار کار می شود. رشد بازار غیر رسمی کار سبب استثمار هر چه بیشتر زنان کارگر و زحمتکش با دستمزد ناچیز نسبت به دوره قبل می شود. براساس اظهارات خانه کارگر، ارگان دست نشانده رژیم، هشتاد درصد کارگران ایران بر اساس قراردادهای سفید امضا تا یکسال کار میکنند که از میان آنها پنجاه درصد تحت استثمار مضاعف شرکتهای پیمانی قرار دارند، در این میان هفتاد درصد از قراردادهای سفید امضا برای زنان کارگر است. بی جهت نیست که بررسی آسیب شناسی اجتماعی نشان میدهد که بخش زیادی از زنان کارگر به افسردگی، استرس و اضطراب مبتلا هستند و پیری زودرس، بیماریهای گوارشی، بیماریهای عصبی در میان آنان ابعاد فاجعه بار پیدا کرده است.

با وجود اینکه ستم مضاعف بر کارگران مهاجر امری تازه نیست لیکن در سالهای اخیر فشار دولتی بر

این کارگران و بویژه کارگران افغان ابعادی کم سابقه پیدا کرده است. کارگران مهاجر در بی حقوقی کامل بسر می برند و مدام با اذیت و آزار و حتی اخراج از ایران مواجه هستند. کارگران ایران نه در رقابت با خواهران و برادران مهاجر تبار خود بلکه در همبستگی و همیاری با آنان است که می توانند قدرت طبقاتی خود را تحکیم بخشند.

با روی کار آمدن دولت حسن روحانی، انواع فشارها به فعالین کارگری و کارگران، احضار، بازداشت، زندان، امنیتی کردن محیط کار به منظور خفه کردن هرگونه صدای مخالف ادامه یافته و حتی در حوزه‌هایی تشدید شده است. فعالان کارگری با سرکوب بیرحمانه دستگاههای امنیتی روبرو هستند. به بند کشیدن کارگران، بیانگر ترس حکومت اسلامی از سازمانیابی کارگری است و نشاندهنده این که رژیم قلب جنبش یعنی طبقه کارگر را نشانه گرفته است. اما فعالین کارگری در زندانها سرسختانه مقاومت می کنند. زندانیانی همچون شاهرخ زمانی، رضا شهابی، محمد جراحی، بهنام ابراهیم زاده و ... در زندان نیز از پاننشسته و همچنان از خواستهای کارگران حمایت میکنند. واقعیت اینست که کارگران به عینه مشاهده می کنند که انتظار بهبود شرایط زندگیشان از دولت "تدبیر و امید" امری واهی است و دولت نه تنها هیچ برنامه‌ای برای بهبود وضع معیشتی کارگران ندارد، بلکه نمیتواند و نمیخواهد حتی ابتدایی ترین خواست آنان را برآورد. کارگران باید به نیروی خود اتکا کنند. از اینرو جنبش کارگری نیز ساکت ننشسته و در عرصه های بیکارسازیها، اخراجها، دستمزدهای معوقه، دستگیری فعالان کارگری، مساله بازنشسته ها و افزایش دستمزد، به سازماندهی اعتصابات، اعتراضات، راهپیمایی، تجمع، امضای طومار، ایجاد کمیته های دفاع از فعالین کارگری زندانی و ... اقدام کرده است.

جنبش کارگری در سال گذشته ستون اصلی و محور حرکات اعتراضی علیه تهاجم سرمایه به معیشت و زندگی کارگران بوده است. به عنوان مثال مبارزه کارگران شرکت ایران خودرو، اعتصاب کارگران نیشکر هفت تپه، اعتراض کارگران پیمانی شهرداری طبس، اعتراض کارگران روغن نباتی پارس قو در شهر ری، اعتراضات کارگران مجموعه پتروشیمی های ماهشهر، اعتصاب و تجمع اعتراضی پلی آکریل اصفهان، اعتصاب همبسته سه هزار کارگر معدن سنگ آهن چادرملو در استان یزد برای افزایش دستمزدها و سایر مطالبات، اعتصاب کارگران قطعات بتونی گیلان، اعتراض و تجمع کارگران نیروگاه دماوند، تجمع کارگران شاغل و بازنشسته تهران و اصفهان، اعتراض کارگران آب و فاضلاب اهواز، تجمع کارگران فولاد زاگرس، تجمع کارگران شرکت واحد در مقابل وزارت کار، اعتصاب کارگران شرکت جهاد نصر، و ... تنها نمونه هایی از اعتراضات و اعتصابات در چند ماه گذشته بوده اند. جنبش اعتراض به حداقل دستمزد در سال گذشته جنب و جوشی فراتر از سالهای پیش داشت. یکی از خواستهای مهم

کارگران پتروشیمی ماهشهر و تبریز، ایران خودرو، پلی اکریل، خواست افزایش دستمزد بود. به علاوه کارگران ماهشهر 2 میلیون تومان را حداقل دستمزد اعلام کردند که با حمایت سندیکای شرکت واحد تهران، کارگران زندانی و اقدامات هماهنگ کنندگان طومار چهل هزار نفری همراه بود. اعتراضات در پیوند با دستمزد در قالب بیانیه و نوشتار و فراخوان عمومی، اعتصاب و اعتراض خیابانی ادامه داشته است و نشان میدهد که این خواست در کنار پرداخت حقوق و مزدهای معوقه، از این ظرفیت برخوردار است که کارگران مراکز مختلف کارگری را بسیج کند، اعتراض را سراسری کرده و زمینه سازمانیابی در مقیاس بزرگ را فراهم سازد.

با تلاش نیروها و فعالان سیاسی سوسیالیست و چپ تبعیدی خارج از کشور، اقداماتی در حمایت از جنبش کارگران ایران صورت گرفته است. سندیکاها و اتحادیه های کارگری در کشورهای مختلف به حمایت از جنبش کارگری ایران به اشکال گوناگون پرداخته اند.

تردیدی نیست که مبارزه و مقابله کارگران با سیاستهای ضد کارگری رژیم بویژه با توجه به تشدید و گسترش فقر و فلاکت و ادامه سرکوبها ادامه خواهد داشت. اما باید در نظر داشت که پیروزی اعتصابات، و عقب راندن کارفرمایان دولتی و خصوصی در گرو اتحاد و همبستگی کارگران، همکاری تشکلهای موجود فعالان کارگری و پیشروی به سوی ایجاد هر چه بیشتر تشکلهای مستقل کارگری است. این هدف، با به کارگیری ابتکارات و خلاقیتها در ایجاد تشکل در اشکال متنوع آن، آموزش از ابتکارات و خلاقتهای سایر کارگران جهان و در عین حال تلاش برای برپائی اعتصابات و اجتماعات برای پیگیری خواستههای بر حق خود، و حمایت و پشتیبانی از حرکات اعتراضی یکدیگر و حرکت در جهت سراسری تر کردن آنها بخصوص در واحدهای بزرگ و پیشروی در مسیر پیوند اعتصابات و اعتراضات کارگری به یکدیگر و ایجاد تشکل سراسری کارگری ممکن است.

نکته دیگر در سازمانیابی کارگری این است که با در نظر گرفتن تغییرات صورت گرفته در فرآیند کار، افزایش کارهای ناپایدار، پاره وقت، کارهائی بدون محل کار ثابت، کارهای خانگی، ورود بیشتر زنان به بازار کار و افزایش بیکاران، ورود بازنشسته ها به بازار کار، مهاجرت افشار اجتماعی فرودست از شهرستانهای کوچک و روستاها در نقش نیروی کار غیر ماهر به شهرهای بزرگ؛ و نیز با توجه به اینکه حدود 80 درصد از کارگران در کارگاههای کمتر از ده نفر مشغول به کار هستند، نقش سازمانیابی در محلات و اجتماعات کارگری نیز افزایش می یابد. حضور خانواده های کارگری و نیز کارگران پراکنده مستقر در محلات زحمتکش نشین در اعتراضات کارگری، در پیوند محل کار و زندگی و نیز پیوند کارگران منفرد و کارگران مستقر در مجتمع های بزرگتر نقشی مهم دارد. ایجاد کمیته های متعدد

دفاع از فعالین کارگری و نیز کارگران زندانی در هر جایی همبستگی و اتحاد میان کارگران و حمایت از یکدیگر را تقویت کرده و ظرفیتهای متفاوت و بیشتری به جنبش کارگری میبخشد.

جنبش کارگری باید به تجدید آرایش قوای خود دست بزند و با تلفیق مبارزه اقتصادی با سیاسی، با ترکیب حرکات معطوف به محل کار با مناطق زیست و زندگی، با پیوند مبارزه قانونی و علنی با مبارزه غیرقانونی، با مفصلبندی تشکلهای محل کار با تشکلهایی که در راستای تشکیلات سراسری فعالیت میکنند خود را برای برای مقابله با روزهای سرنوشت ساز آتی آماده سازد .

مصوبه شماره سه

پیرامون بحران زیست محیطی

کنگره نوزدهم سازمان راه کارگر در راستای تدقیق سیاست پایه ای خود در رابطه با بحران زیست محیطی – که در مصوبات کنگره های پیشین و بیانیه ها و مقالات و گزارشات مختلف ، انعکاس یافته – سند زیر را به تصویب رساند.

بحران جهانی زیست محیطی با پدیده تغییرات اقلیمی ، عملا به نقطه ای بی بازگشت رسیده است. دریاچه ها و تالاب های خشک شده ، رودخانه های بی آب ، نابودی جنگلها و مراتع ، گسترده شدن کویر و نابودی زمین های کشاورزی ، طوفانهای شنی و نمکی و... همه و همه نشانه های بحران عظیمی است که بشریت امروز با آن دست به گریبان است. اگر گرم شدن عمومی کره زمین کنترل نشود، اثرات ویرانگری بر روی بشریت، گیاهان و حیات وحش خواهد داشت. بازده برداشت محصولات غذایی بطور اساسی سقوط خواهد کرد. منافع سیستم جهانی سرمایه داری . در بهره کشی هرچه بیشتر از طبیعت و حتی تا نابودی طبیعت است . جهان ما بسوی دوره ای از بحران آب و خاک و زیست قدم برمیدارد.

در کشور ما ایران ، نظام اسلامی سرمایه ، غارت و چپاول منابع طبیعی و تخریب محیط زیست را در ابعاد وحشتناک و غیر قابل مهاری پیش برده است. جنگ طولانی هشت ساله با عراق و نابودی بسیاری از ساختارهای اقتصادی و اجتماعی در جنوب و غرب کشور ، دوره هشت ساله "بازسازی" رفسنجانی و تاسیس دهها سد – بدون در نظر گرفتن عواقب زیست محیطی آن – تغییر مسیر آبها و برداشت آبهای زیر زمینی و حفر هزاران چاه عمیق برای کشاورزیهای صنعتی ، و دیگر پروژه های اقتصادی در بخش دولتی و خصوصی، همه و همه بدون، رعایت مسائل زیست محیطی انجام گرفته ومی گیرند و کل این وضعیت به نابودی زیستگاه مردم و گیاهان و حیوانات منجر شده و میشود. آلودگی شدیداً هشدار دهنده هوا، روند سریع نابودی جنگلها، تخریب پوشش گیاهی و مراتع، رانش زمین ، نابودی تالاب ها، روند

خشک شدن رودخانه ها خصوصا رودخانه های بزرگی چون زاینده رود و کارون ، خشک شدن دریاچه های مختلف خصوصا ارومیه و هامون ، گسترش بیابان زایی و طوفان نمک و گرد و غبار و ریزگردها ، کمبود فزاینده منابع آب آشامیدنی، خشکسالی های فزاینده و مهلک، آلودگی های خطرناک صنعتی، تولید بنزین غیراستاندارد و سرطانزا توسط صنایع پتروشیمی ، مشکل دفع زباله های بیمارستانی، ویرانی اکوسیستم های حیات وحش و حیوانات نادر، آلودگی شدید دریای خزر و خلیج فارس و دریای عمان، نابودی آبریان و بالاخره عوارض خطرناک ناشی از برنامه هسته ای رژیم، گوشه هایی از ابعاد فاجعه آمیز زیست محیطی در ایران هستند. ایران جزو اولین ۱۰ کشور تخریب کننده محیط زیست است. سال گذشته در میان آلوده ترین ده شهر اول جهان، نام ۳ شهر ایران : اهواز و سنندج و یاسوج دیده میشد. قطعا تهران و شیراز و اصفهان و شهرهای بزرگ دیگر نیز دست کمی از این سه شهر ندارند.

سالانه حداقل ۶۰۰ هزار هکتار از جنگلهای ایران نابود میشوند. سال گذشته آلودگی هوای تهران ، اهواز ، دزفول ، سنندج ، اصفهان ، کرمانشاه ، همدان ، اراک ، زنجان و چندین شهر دیگر چند روز از خط قرمز عبور کرد ، اجبارا مدارس را تعطیل کردند و بسیاری روانه بیمارستان شدند. در بسیاری از شهرهای ایران هر از چند گاه آلودگی هوا به میزان هشدار میرسد. مردم تهران ، بالاخره شاهد حداقل دو طوفان بزرگ شنی شدند که جان چندین شهروند را گرفت و دهها مجروح و ویرانیهای بسیار را پدید آورد. گزارشات انتشار یافته حکومتی در سال گذشته مرگ قریب ۳۰۰۰ نفر بر اثر آلودگی هوا را اعلام کرد. این روند زندگی نسلهای کنونی و نسلهای آینده را به طور جدی به مخاطره انداخته است. مرگ و میر ناشی از آلودگی محیط زیست افزایش سرسام آوری گرفته، بیماری های لاعلاج زندگی بسیاری را به مخاطره انداخته و هزاران نفر بخاطر خشک شدن دریاچه ها و رودخانه ها و یا نابودی جنگل ها و مراتع ، کار و منبع درآمدها را از دست داده اند و به فلاکت کشیده شده اند.

جهان ما و خصوصا کشور ما ، در اثر تغییرات سریع زیست محیطی در انتظار یک فاجعه عمومی بسر میبرد. در چند دهه گذشته بر تعداد سوانح طبیعی به شدت افزوده شده است. هر چند دلیل این تغییرات زیست محیطی جهانی بوده و میلیونها انسان قربانی مستقیم این تغییرات و نابودی محیط زیست بوده اند، اما سیاست های رژیم اسلامی در تخریب محیط زیست ، مردم ایران و موقعیت زیست محیطی کشور ما را کاملا در مقابل فاجعه های زیست محیطی بیدفاع کرده است. مهمترین علت این تغییرات عظیم زیست محیطی ، رشد شدید گازهای تهدید کننده محیط زیست ، نظیر گاز کربنیک ، اکسید ازت و گازمتان و نابودی منابع طبیعی است. شواهد و گزارشات انتشار یافته حاکیست که در مدت زمان کوتاهی حداقل 24 درصد از ساکنان کره زمین دچار کم آبی مزمن خواهند شد و از صحراهای خشک در حال گسترش

خواهند گریخت. و این در حالیست که در بخش دیگری از جهان، بسیاری از جزایر و سواحل از سوی طوفان و سیلاب تهدید میشوند.

سرمایه داری جهانی بزرگترین دشمن محیط زیست است. توسعه سرمایه دارانه و رقابت کارفرمایان و سرمایه داران برای کسب سود بیشتر و سلطه، جهان ما را بسوی بحرانی گسترده پیش میبرد. چین، روسیه، هند، بریتانیا، ژاپن، برزیل و دیگر کشورهای قدرتمند سرمایه داری بزرگترین آسیب ها را به محیط زیست زده و میزنند. این وضعیت، ضرورت مقاومت فعالانه توده ای و بین المللی علیه جنایات محیط زیستی نظام سرمایه داری و امپریالیستی را طلب میکند. این چالشی است برای ایجاد جنبشی زیست محیطی، فرا کشوری و فراقاره ای و بین المللی.

بسیاری از نهادهای بین المللی و نشستهای مربوطه در سازمان ملل در برابر این نابودی، تنها به دادن قطعنامه های بی اثر و تصمیمات بر روی کاغذ اکتفا کرده اند. کشورهای قدرتمند سرمایه داری خصوصا ایالات متحده آمریکا و چین با ابزارهای سیاسی و اقتصادی مانع از تصمیم گیریهای روشن این نشستها میشوند. همه این ماجرا ثابت میکند که مبارزه برای حفظ محیط زیست میبایست با مبارزه ضد سرمایه داری، ضد امپریالیستی و علیه شرکتهای چند ملیتی پیوند خورد. با توجه به این سیاست های ضد محیط زیستی سرمایه دارانه، جنبش دفاع از محیط زیست جهانی بوجود آمده است و طبقه کارگر و جنبش جهانی چپ باید آنرا تقویت کنند.

در کشور ما، جنبش بزرگ مقاومت برای دفاع از محیط زیست در بسیاری از نقاط کشور شکل گرفته است. اعتراضات گسترده مردم برای نجات دریاچه ارومیه، تشکیل زنجیرهای انسانی برای نجات کارون، اعتراضات مردمی در دفاع از حق نفس کشیدن و آب سالم در بسیاری از شهرهای ایران، تشکیل دهها و صدها گروه و نهاد غیر دولتی مستقل در دفاع و محافظت از محیط زیست و واکنش آگاهانه بسیاری از مردم در مقابل سیاستهای مخرب و جنایتکارانه رژیم اسلامی علیه محیط زیست نشانه های امیدوارکننده ایست برای تغییرات بزرگ در صحنه سیاسی ایران.

به این خاطر میتوان قطعا گفت که مبارزه برای حفظ محیط زیست به یک خواست عمومی اکثریت مردم ایران تبدیل شده است. خواستی که میتواند به عاملی بسیار برانگیزاننده برای مبارزه علیه رژیم جمهوری اسلامی تبدیل شود و میلیونها نفر را در سراسر ایران حول این مبارزه متحد کند. حق زندگی، حق برخورداری از آب و هوای سالم، حق نفس کشیدن در هوای سالم و تمیز و زیستن در طبیعتی سالم و امن؛ حق انسان، حیوان، درخت و طبیعت برای زندگی سالم باید به رسمیت شناخته شود. رژیم اسلامی سرمایه عامل مستقیم و اصلی تخریب و آلودگی فاجعه بار محیط زیست در ایران است، هر شکل

از مبارزه برای محیط زیست در پیوندی ناگسستنی با مبارزه علیه این حکومت میباشد.

مصوبه شماره چهار

ارزیابی فشرده از اوضاع بین المللی

کنگره 18 سازمان ما در سال گذشته با بررسی دقیق اوضاع سیاسی-اقتصادی جهان ، ارزیابی خود را در باره بحران اقتصادی سرمایه داری جهانی و تضادهای دول امپریالیستی ، ارائه داد. کنگره نوزدهم سازمان بر ارزیابی ارائه شده در آن کنگره پافشاری میکند. میتوان بر آن افزود که پس از گذشت هشت سال ، چشم اندازی بر پایان این بحران و نشانی از برون رفت از آن دیده نمیشود. و هنوز تمرکز هر چه بیشتر سرمایه در بخش های مالی-ربایی ، برنامه های ریاضت اقتصادی ، بیکار سازیهای میلیونی ، لیبرالیزه کردن مناسبات تجاری بین المللی و فقر و فلاکت ، موجبات گسترش نارضایتی عمومی و جنبش های توده ای سراسری را فراهم میکند .

تضادهای دول امپریالیستی بر بستر دستیابی به بازارهای جدید و سلطه بر منابع انرژی جهان ، بخصوص در منطقه خاورمیانه ، اکرین ، آسیای مرکزی ، آفریقا و شرق دور ، ابعاد بی سابقه ای پیدا کرده است. این تضادها از سویی دامنه جنگهای منطقه ای ، قومی ، نژادی و مذهبی را افزایش داده و از دیگر سو در منطقه خاورمیانه و اکرین دگرگونیهای سیاسی و جغرافیایی را رقم زده و بین قطبهای سرمایه داری جهانی ، گروه بندیهای سیاسی و اقتصادی را بدنبال داشته است.

ارزیابی فشرده ای از سیر بحران اقتصادی در جهان نشان میدهند که :

کانون بحران که در سال 2008-2009 در آمریکا قرار داشت ، در سال 2010-2013 به اروپا منتقل شد ، از سال 2013 به بازارهای نوظهور، نظیر : کشورهای بریکس (برزیل ، روسیه، چین ، هند و آفریقای جنوبی) که انتظار میرفت همچون موتور حل بحران عمل کنند و مینت (مکزیک ، اندونزی ، نیجریه و ترکیه) منتقل شده است.

بسیاری از دولتهای پیشرفته سرمایه داری کماکان دچار کسری بودجه اند.

میزان بدهی بسیاری از دولتها از صد در صد تولید ناخالص ملی بالاتر است.

میزان نقدینگی در دست دولتها بالا و نرخ بهره پایین است. این نقدینگی نه در جهت تولید ، بلکه به سود بانکهای سایه و فعالیتهای مالی سرازیر شده است. بعنوان نمونه میزان آن از 43 تریلیون دلار در

سال 2007 به 71 تریلیون دلار در سال 2012 رسیده است. در واقع آنهایی که بطور بیواسطه عامل بحران بوده اند ، از قبل بحران ، بیشترین بهره و سود را برده اند. این موقعیت ، اعتراضات اجتماعی را در چهار گوشه جهان نشان میدهد که کارگران و زحمتکشان در مقابل این سیاستها سکوت نکرده اند . اعتصابات، تظاهرات ، اکسیونهای متنوع و سراسری و محلی ادامه داشته و جنبشهای اجتماعی – اتحادیه ای ، کارگری، زیست محیطی ، زنان ، مهاجرین ، صلح و... به صورتهای مختلف اعتراض خود را اعلام کرده اند. اقدامات گسترده ای که با ابتکارات تازه ، میتواند و باید مردم همه کشورها را در مسیر دفاع از آزادی ، برابری ، صلح و همبستگی انسانی قرار دهد .

مصوبه شماره پنج

پیرامون بحران عراق

بحران کنونی عراق ، پی آمد منطقی اشغال این سرزمین توسط امپریالیسم آمریکا ، بریتانیا و متحدین آنان است که از یکسوی در آتش اختلاف دیرینه شیعه و سنی دمیده و در یازده سال گذشته، صدها هزار قربانی بر جای گذاشته و از سوی دیگر ، دست دولتهای ارتجاعی منطقه : رژیم جمهوری اسلامی ایران ، شیوخ عرب (بویژه قطر و عربستان سعودی) و ترکیه را برای دخالت در امور این کشور باز گذاشته است .

چند دهه حکومتهای دیکتاتوری رژیمهای کودتایی در پیامد خود بی حقوقی عمومی، عدم امنیت، بی آیندگی ، خانه خرابی اکثریت مردم و ساختار فرقه ای – مافیایی دولت مالکی در تشدید این بحران نقش فزاینده دارد.

ویژگی این بحران، عروج پدیده ای بنام "داعش" است که نیرویی است ویرانگر ، مذهبی و نظامی که از "حلب" تا "رمادیه" مرزهای سیاسی دو کشور سوریه و عراق را درنوردیده است. بیگمان "داعش" پدیده ای خلق الساعه نیست و برآیند مجموعه ای از فاکتورهای دولتهای متجاوز سرمایه داری و حکام منطقه است و نقش آنان را نباید از نظر دور داشت.

با اشغال بخش سنی نشین غرب و شمال عراق مضاف بر بخشی از سوریه توسط جریان فوق ارتجاعی داعش و اعلام ابوبکر البغدادی بعنوان خلیفه ، تجزیه عملی عراق به سه بخش شیعه ، سنی و کرد – بحران این کشور به اوج خود رسیده است.

ظهور پدیده داعش و القاعده و یا طالبان عراقی ، ریشه در بحران تاریخی این کشور موزائیکی دارد که دست پخت استعمار است. از بدو تاسیس تا کنون هیچکدام از اقوام ، ملیتها و جریانات مذهبی از حقوق خود برخوردار نبوده اند و این دولتهای حاکم بر بغداد با اعمال قهر و خشونت و نظامی - پلیسی بوده اند، که آنرا برپا داشته اند.

مبارزه مردم کردستان در هر چهار بخش ایران، عراق ، ترکیه و سوریه برای حق تعیین سرنوشت و خود مختاری مبارزه ایست عادلانه ، تاریخی و طولانی، این مبارزه در صد سال گذشته هرگز فرو ننشسته و این حق هر بخش از مردم کردستان است که سرنوشت خود را به دست خویش تعیین کنند. اما با توجه به مختصات زیر:

خطر گسترش جنگهای فرقه ای - مذهبی در منطقه،
نقش ویرانگر جنگ در مبارزه طبقاتی و رودرروی نا خواسته کارگران ، ملیتها و ایجاد خلل در
همبستگی خلقها.

نقش مداخله گرایانه امپریالیسم ، صهیونیسم و ارتجاع منطقه و نقش بنیاد گرایی مذهبی ، تجزیه عراق
را همچون دیگر کشورهای منطقه بسود کارگران و زحمتکشان نمیدانیم.

ازاینرو ما اتحاد کارگران، زحمتکشان ، نیروهای مترقی و سکولار عراق را بر مبنای مبارزه همزمان
علیه ارتجاع "داعش" و استبداد شیعی را تنها امکان غلبه بر بحران جاری میدانیم. اما در صورت اعلام
استقلال کردستان عراق از حق مردم کردستان عراق در تعیین سرنوشتشان دفاع میکنیم و در کنار مردم
کردستان عراق هستیم و هر گونه تهاجم احتمالی به آنان را از هر سو که باشد محکوم میکنیم.

در واقع مبارزه با ارتجاع داخلی ، قدرتهای ارتجاعی منطقه و امپریالیسم ، مبارزه ایست برای ساختن
عراقی آزاد ، سکولار و عدالت خواه که تنها به کمک اتحاد کارگران و زحمتکشان آن کشور ممکن
است.

رژیم جمهوری اسلامی ایران میکوشد در راستای حفظ سلطه دولت شیعی ، جنبش ارتجاعی شیعی در
عراق را تقویت کرده و به این ترتیب درگیری مذهبی و فرقه ای در عراق را تشدید کند. در این مسیر به
هر توطئه و ترفندی نیز متصل میشود. این سیاست ارتجاعی میتواند آتش جنگ را در منطقه شعله ور و
به ایران هم تسری دهد. کارگران، زحمتکشان ، آزادیخواهان و همه نیروهای سکولار در منطقه میبایست
با افشای این سیاست ارتجاعی و توسعه طلبانه ، با هرگونه زمینه سازی سیاستهایی که جنگ را به
منطقه و ایران سرایت خواهد داد، به مقابله برخیزند.

***نظر اقلیت کنگره (دارای 24% آراء) پیرامون استقلال کردستان عراق:**

با توجه به اینکه خواست مردم کردستان عراق برای استقلال خواستی است تاریخی که همانند آتش نهفته
زیر خاکستر ، اکنون امکان بروز یافته است، ساختن کردستان مستقل ، تنها با اعلام جدایی رسمی دین از
دولت ، مبارزه با دخالتهای دولتهای ارتجاعی همسایه ، اعلام برابری اقوام ، ادیان و آزادی اندیشه و
وضع قوانین عدالت خواهانه ، مبارزه قاطع با فر هنگ زن ستیز، میتواند به نفع مردم کردستان باشد.

مصوبه شماره شش

در همبستگی و همدردی با مردم فلسطین

1- بیست سال پس از امضای قرارداد صلح اسلو دایر بر رسمیت بخشیدن به حقوق مردم فلسطین برای
ایجاد یک کشور مستقل و هشت سال پس از تخلیه نوار غزه از وجود شهرک نشینان یهودی ، غزه به
صورت اردوگاه در آمده و به زندان یک میلیون و هشتصد هزار فلسطینی مبدل شده است. زندانی که در
این سالها از زمین و دریا به محاصره درآمده و به تناوب در معرض بمبارانهای هوایی و توپخانه و
موشکها و یورش نظامی ارتش اسرائیل قرار گرفته است.

2- در برابر انظار جهانیان و در پرتو پشتیبانی بی دریغ و همه جانبه ی قدرتهای امپریالیستی و سکوت دولتهای مرتجع عرب، بیش از یکماه است که دولت اسرائیل به بهانه ربوده شدن و قتل سه نوجوان اسرائیلی که به نوبه خود محکوم است- اما در واقع واکنشی است در برابر اتحاد سیاسی الفتح و حماس، تا به سیاست اشغال و شهرک سازی ادامه دهد؛ از اردوگاه مرگ غزه ویرانه ای غیر قابل تصور ساخته است.

ارتش اسرائیل در ادامه این تجاوز نظامی از هیچ جنایتی فروگذار نیست؛ از کشتار کودکان، زنان و غیرنظامیان تا ویران ساختن اماکن عمومی و زیر ساخت های اقتصادی و اجتماعی، از مدارس تا دانشگاهها و بیمارستانها که هرکدام به نوبه خود مصداق بارز جنایت علیه بشریت است.

3- رژیم جمهوری اسلامی با فریبکاری و بهره برداری از موقعیت کنونی به نحوی همه جانبه در ساز اسلامگرایی میدمد. با این سیاست در واقع پشتیبان جنبش ارتجاع اسلامیت که جنگی فرقه ای - مذهبی را دامن میزند تا مبارزه برای حقوق حقه مردم فلسطین و این همان سیاست ارتجاعی است که حماس در فلسطین دنبال میکند.

3- ما این جنایت هولناک و نسل کشی آشکار و همدستی دول امپریالیستی و رسانه های وابسته به آنها را محکوم میکنیم و در همدردی و همبستگی با مردم بی دفاع و ستمدیده فلسطین ، همراه با جنبشهای مترقی جهانی برای برقراری صلحی پایدار ، بر حق تعیین سرنوشت خلقهای منطقه تاکید میکنیم .

مصوبه شماره هفت

کارزار علیه اعدام و جنایت سازمانیافته دولتی باید سراسری و بین المللی شود!

از آغاز ریاست جمهوری حسن روحانی اعدام و بدارکشیدن مخالفان شدت بیشتری گرفته است. در سالی که گذشت اعدامهای گسترده فعالین ملی در زندانهای بلوچستان، خوزستان ، کرمانشان و کردستان و دستگیری و آزار و اذیت زندانیان سیاسی ابعاد گسترده تری بخود گرفته است. در عین حال سیاست آپارتاید جنسی و جداسازی زنان و مردان در دانشگاهها ، ادارات و شهرداریها ، باتکها و سرویس خدمات عمومی ابعاد گسترده تری پیدا کرده است. تاریخ بار دیگر نشان داد که سرکوب، زندان و شکنجه همچنان سیاست پایدار رژیم اسلامی است. رژیمی که همچنان رکورددار صدور احکام اعدام در جهان است. در شرایطی که همه چشمها به عراق و سوریه و غزه و جنایات داعش و صهیونیستهای اسرائیلی معطوف شده است؛ رژیم اسلامی و دستگاه سرکوبش فرصت را مغتنم شمرده ، بر ابعاد سرکوب و محدودیتهای سیاسی و مدنی می افزاید. سرکوب گروهها و فعالین سیاسی - عقیدتی بعنوان سیاستی دائمی دنبال شده است.

شرایط زندانهای ایران به شکل وحشتناکی حادث شده و امکانات زیستی ، درمانی و اجتماعی بشدت محدود شده و به مثابه سیاست رسمی در بسیاری از زندانها به اجرا درمیآید.

نظامی مافیایی و طبقاتی در زندانها ، توسط اوباشان و مزدوران و جنایتکاران حرفه ای حاکم شده و اعتیاد و بزهکاری و بی اخلاقی ، زندانیان را قربانی و اسیر مداوم این سیستم غیر انسانی میکند. اعدام

" بزهدکاران اجتماعی" در ملا عام ، این قربانیان نظام سرمایه داری اسلامی به شکل گسترده ای به اجرا در می آید. ، بی آنکه حتی نام بسیاری از آنان دانسته شود و پروسه عادلانه دادرسی اجرا شده باشد. علیرغم اعتراضات سازمانها و نهادهای ترقیخواه و بشردوست داخلی و بین المللی در این سیاست وحشیانه تجدیدنظری صورت نگرفته است.

اخراج ، دستگیری ، زندانی کردن فعالین کارگری، دانشجویی، معلمان ، روزنامه نگاران و وبلاک نویسان ادامه یافته است. مقاومت درخشان زندانیان سیاسی خصوصا رهبران و فعالان کارگری زندانی و نامه ها و طومارهای زندانیان سیاسی در این دوره نیز ادامه یافته که نشانه روشنی از ادامه مبارزه اجتماعی مردم ایران برای آزادی ، لائیسسه و برابری است .

کنگره نوزدهم سازمان راه کارگر همگان را به مبارزه علیه اعدام – این جنایت سازمانیافته دولتی - فرامیخواند. خصوصا در شرایطی که ماشین آدم کشی رژیم نژاد پرست اسراییل و دولت اسلامی داعش در حال نسل کشی و پاک سازی نژادی، قومی و دینی و برگرداندن بشریت به بربریت است ؛ تلاش برای مبارزه جهانی علیه اعدام و جنایات سازمانیافته دولتی اهمیت بیشتری مییابد. میتوان از طریق همبستگی بین المللی با مردم فلسطین و غزه ، کردستان و عراق و سوریه ، کارزار مبارزه علیه هر نوع دولت مذهبی ، هر نوع دولت اشغالگر و مستبد و هر گونه ستم و سرکوب و نابرابری و تبعیض را سازمان داد. میتوان این مبارزه جهانی برای صلح و همزیستی ، مبارزه برای آزادی و برابری ، مبارزه علیه اعدام و شکنجه و کشتار ، مبارزه علیه جنگ و اشغال را در کنار هم پیش برد. مردم ایران و خاورمیانه شایسته زیستن در دنیایی فارغ از استبداد ، فقر، نابرابری ، جهل ، جنگ ، اشغال و سلطه هستند. فقط با مبارزه ای دائمی، گسترده، داخلی و بین المللی ، میتوان استبداد و امپریالیسم ، اشغال و بیداد اسلامی و صهیونیستی را به عقب نشینی وادار کرد و این جانیان و مسئولین جنایت را به پای میز محاکمه کشانید. بیاییم جهان ممکن دیگری را ممکن کنیم!

لغو شکنجه – اعدام ، زندانی سیاسی آزاد باید گردد
سرنگون باد رژیم اسلامی سرمایه داری ایران
زنده باد همبستگی بین المللی برای آزادی و سوسیالیسم